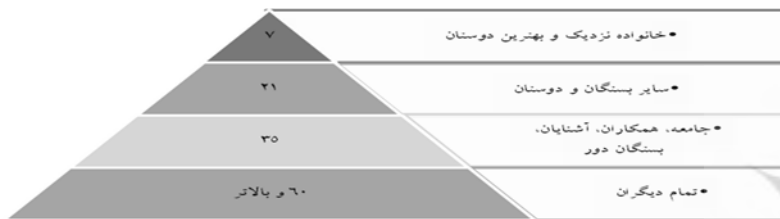


۱. بیان مسئله

تعاملات اجتماعی انسان‌ها در فضایی صورت می‌گیرد که به آن رابطه اجتماعی می‌گوییم. دانبار (۱۹۹۲) معتقد است عدد ۱۵۰ حد میانگین روابطی است که یک شخص معمولاً می‌تواند مدیریت کند. می‌توان تشریح عدد دانبار را به‌مثابه یک هرم نشان داد (نمودار ۱). در رأس هرم، پیوندهای قوی، خانواده نزدیک و بهترین دوستان قرار دارند؛ یعنی کسانی که هر روز با آنها کنش متقابل داریم (تسوات و کوزنتساو، ۲۰۱۱، ص ۱۲۰). هر چه به سمت پایین هرم می‌رویم، محتوای عاطفی و اشتراک اطلاعات روابط، کاهش و کمیت، افزایش می‌یابد.

نمودار ۱. هرم دانبار (همان).



معمولاً در طول تحقیقات و مشاوره‌های پرشمار، انسان‌ها به این نتیجه می‌رسند که با هم اشتراکاتی دارند و می‌توانند نیازهای یکدیگر را در تعامل با هم برطرف سازند. تا هنگامی که زوجین حس کنند وجودشان در کنار یکدیگر نیازشان را رفع می‌کند رضایت کامل دارند، اما نارضایتی از این تعامل، هنگامی آغاز می‌شود که اختلال در رفع نیاز یا برآوردگی انتظارات، مشاهده و حس می‌شود. زوجین معمولاً به امید تعاملات گرم، تشکیل زندگی می‌دهند، اما آنچه در واقعیت دیده می‌شود این است که روابط عاطفی در آغاز زندگی با شور و حرارتی ویژه وجود دارد و بسیار هم مؤثر است؛ اما پس از مدتی به علت ناآگاهی و غفلت یکی از طرفین یا هر دو، عواطف فروکش می‌کنند و به تدریج که این وضعیت تشدید می‌شود، زندگی به سردی می‌گراید. چنان‌که در مطالعات اکتشافی با زنان پر شماری از طبقات اجتماعی مختلف بیان شده است، گاهی این حالت به جایی می‌رسد که زوجین زیر یک سقف فقط کنار هم هستند ولی با هم زندگی نمی‌کنند. در احساسات و عواطف، شریک یکدیگر نیستند، بلکه یکدیگر را تحمل می‌کنند و تعاملاتشان بیشتر خنثا یا سرد است. این وضعیت را «طلاق عاطفی» می‌گویند. اغلب نظریه‌پردازان در حوزه خانواده و آسیب‌های آن، طلاق را در شش مرحله تقسیم‌بندی کرده‌اند که طلاق عاطفی نخستین و می‌توان گفت مهم‌ترین مرحله است و از زمانی آغاز می‌شود که بانو و

همگنی، صمیمیت و طلاق عاطفی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل شبکه

ft134033@gmail.com

meskafi@yahoo.com

فرح ترکمان / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مریم اسکافی / عضو هیئت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد

ندا عیدگاهیان / دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مشهد

ایرج سهرابی / دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور مشهد

دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸

چکیده

طلاق عاطفی پدیده‌ای یک گام پیش از طلاق قانونی و در حال افزایش است که آمار دقیقی از آن ارائه نشده است. بنابراین توجه به آن اهمیت دارد. از سویی توجه به نقش تعاملات اجتماعی در تغییرات طلاق عاطفی بسیار مهم است که این نقش در تحقیقات نادیده گرفته شده است. در این مقاله، نقش شبکه‌های اجتماعی زوجین در طلاق عاطفی با روش کیفی و نرم‌افزاری جدید در تحلیل شبکه در میان متأهلان شهر مشهد بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین و مهم‌ترین عامل مؤثر در تغییرات طلاق عاطفی، صمیمیت هریک از زوجین با اعضای شبکه اجتماعی خود است که کاهش صمیمیت با همسر را ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، صمیمیت، شبکه‌های اجتماعی.

شوهر شروع به جدایی و فاصله گرفتن از یکدیگر می‌کنند (کاکس، ۲۰۰۵، ص ۴۷۱). در واقع مشاهده می‌شود که طلاق عاطفی، سرچشمه انواع دیگر طلاق است. «طلاق عاطفی» با کلمات دیگری چون «خانواده توخالی» (استیل و کید، ۱۳۸۸، ص ۲۶۰) و «زندگی خاموش» (بخارایی، ۱۳۸۶، ص ۴۳) نیز نام‌گذاری شده است. در این باره اولسون (۱۹۷۷) از ازدواجی که در شرایط طلاق عاطفی قرار دارد با عنوان «ازدواج از پافتاده» یاد می‌کند. طلاق عاطفی از نظر باون (۱۹۶۰) با «کاهش تدریجی احساسات و علاقه به یکدیگر آغاز می‌گردد، بدون اینکه ستیز و تخاصم آشکاری وجود داشته باشد». طلاق عاطفی، رابطه‌ای را توصیف می‌کند که در آن همسران در محیط‌های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می‌رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱). بر اساس آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران، آمار طلاق‌های ثبت شده در کشور از سال ۸۴ تا ۸۸ رو به رشد بوده و همچنان ادامه دارد. اختلافات زناشویی در ایران جزو مسائل حاد به‌شمار می‌رود. ریاحی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود بیان می‌کند که میانگین طلاق در کل کشور بین سال‌های ۶۵ تا ۸۵ از ۱۰/۳ درصد به ۱۱/۴ درصد رسیده است. طلاق جزو ده رویداد فشارزای زندگی رتبه‌بندی شده است (تیرگری، ۱۳۸۶). پرونده‌های متفاوت و پرشمار متعدد طلاق، شلوغی دادگاه‌های خانواده، افزایش فزاینده مراکز و کلینیک‌های مشاوره خانواده بیانگر افزایش طلاق پنهان یا عاطفی و به‌طور کلی نشان‌دهنده فروپاشی خانواده در ایران است. مصاحبه با چند مشاور و مددکار در شهر مشهد نشان می‌دهد که در روز از هر پنج پرونده مشاوره، دو مورد مربوط به اختلافات خانوادگی است.

با توجه به جست‌وجوی مفصلی که در پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام گرفت، می‌توان گفت در ایران کارهای بسیار اندکی درباره طلاق‌های عاطفی صورت گرفته است و اغلب آثار به صورت کیفی و بیشتر به علل اجتماعی و شخصیتی آن پرداخته‌اند و اثر شبکه روابط اجتماعی افراد بر طلاق عاطفی نادیده گرفته شده است. در واقع هدف محقق در این پژوهش، بررسی و کشف فرایندهای میان شبکه اجتماعی افراد و طلاق عاطفی در خانواده است و اینکه شبکه اجتماعی همسران چگونه با تأثیرپذیری از چنین فرایندی به طلاق عاطفی می‌انجامد. درباره این مسئله در شهر مشهد، تنها پایان‌نامه کارشناسی ارشد سالار (۱۳۸۹)، با عنوان «رابطه بین ویژگی‌های شبکه هم‌سرگزینی با رضایت از زندگی مردان در شهر مشهد» انجام

گرفته است. بنابراین در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش بنیادین هستیم که شبکه اجتماعی زوجین چگونه می‌تواند بر تغییرات طلاق عاطفی مؤثر باشد؟ پژوهشگر با جست‌وجوی مفصل در آثار داخلی، تنها به چهار اثر (صادقی فسائی و ملکی‌پور، ۱۳۹۲؛ شهرستانی و دیگران، ۱۳۹۱؛ مقصودی و دیگران، ۱۳۹۰؛ سالار، ۱۳۸۹) با روش‌های کیفی، آزمایشی و پیمایش دست یافت که به نوعی رابطه شبکه‌های اجتماعی را با پدیده‌هایی مانند کیفیت روابط زناشویی بررسی کرده‌اند.

در میان آثار خارجی، پژوهشگران گوناگون (از جمله، رجویی، ۲۰۱۲؛ ونگ و دیگران، ۲۰۰۶؛ ویدمور و دیگران، ۲۰۰۴؛ کالمین، ۲۰۰۳؛ فلملی، ۲۰۰۱؛ ماریانسکی و کونتز، ۱۹۹۱) در کشورهای رومانی، امریکا، سوئیس، آلمان، هلند و غرب میانه، اثر شبکه اجتماعی را به نوعی با طلاق عاطفی بررسی کرده‌اند. هرچند در عناوین این پژوهش‌ها، عنوان طلاق عاطفی نیامده است، با مطالعه آنها می‌توان مباحثی نزدیک به طلاق عاطفی در آنها یافت. مطالعه آثار مختلف نشان داد که در کشورهای توسعه‌یافته پدیده طلاق عاطفی با نام‌های دیگر معرفی و ریشه‌یابی شده است. پژوهشگر پس از واکاوی آثار یاد شده، با روش و نظریه تحلیل شبکه، متغیرها و مفاهیم آن آشنا شده و از منابع غنی این آثار، به منظور دسترس یافتن به اطلاعات جدیدتر بهره‌های فراوانی برده است. البته اشکالات وارد بر آثار انجام‌شده بدین شرح است:

۱. بیشتر آثار به روش کیفی یا پیمایشی انجام شده‌اند، که هر یک مشکلات ویژه خود را دارد؛
۲. کارهایی که به روش تحلیل شبکه انجام شده‌اند، در سطح شبکه کامل و توصیف متغیرهای شبکه‌اند. فرضیه علی و آزمون فرضیه به روش تحلیل شبکه انجام نشده‌اند، بلکه در حد نرم‌افزار spss بوده‌اند. بنابراین:

۱. روش تحلیل در پژوهش پیش‌رو، روش تحلیل شبکه است که هم روش است، هم نظریه. این روش هم کمی و هم کیفی است و از این نظر روشی جامع است؛
۲. جامعه آماری این پژوهش، شهر مشهد است که به سبب مهاجرپذیری فراوان، از حیث تنوع افراد پس از تهران قرار دارد و می‌توان گفت تا حد بسیاری نمونه معرفی از کل کشور نیز هست؛
۳. شبکه مورد مطالعه در این تحقیق، شبکه ۱/۵ درجه است که پژوهشی با چنین شبکه‌ای تاکنون در ایران انجام نشده است و در دنیا نیز محقق با جست‌وجو مفصل و مداوم، هنوز به اثری به این شکل برخورد نکرده است. لذا مقاله از این حیث نوآورانه است؛

جدول ۱. سطوح زوجین و انسجام خانواده

ویژگی‌ها	رها (نامتوازن)	متصل (متوازن)	منسجم (متوازن)	گرفتار (نامتوازن)
جدایی- با هم بودن	جدایی بالا	جدایی بیشتر از با هم بودن	با هم بودن بیشتر از جدایی	با هم بودن بسیار بالا
توازن من- ما	اول من	من بیشتر از ما	ما بیشتر از من	اول ما
نزدیکی	نزدیکی پایین	نزدیکی کم تا متوسط	نزدیکی متوسط تا زیاد	نزدیکی بسیار بالا
وفاداری	فقدان وفاداری	وفاداری کم	وفاداری درخور توجه	وفاداری بالا
فعالیت‌های مشترک	جدایی اساسی	جدایی بیشتر از اشتراک	اشتراک بیشتر از جدایی	اشتراک اساسی
استقلال- وابستگی	استقلال بالا	استقلال بیشتر از وابستگی	وابستگی بیشتر از استقلال	وابستگی بالا

(اولسون و دفراین، ۲۰۱۱، ص ۸۸).

در بخش نظری، دو دسته نظریات سطح خرد و میانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند که در جدول ۲ خلاصه‌وار معرفی شده‌اند.

جدول ۲. معرفی نظریات

سطح‌بندی	نام نظریات	صاحب‌نظران	متغیرهای اصلی	کاربرد در رساله
نظریات سطح خرد	نزدیکی تشابه	راجرز و شومیکر	تشابه، همگنی، فعالیت‌های مشترک صمیمیت، فاصله جغرافیایی	
رضایت زناشویی	اولسون	سن، مدت ازدواج و تعداد فرزندان، صمیمیت زناشویی		
نظریات سطح میانه	صمیمیت زناشویی	اولسون	صمیمیت، طلاق، فعالیت‌های مشترک	

۲-۱. نظریه نزدیکی (Proximity)

یکی از واضح‌ترین و مهم‌ترین عوامل جذب، نزدیکی یا فاصله جغرافیایی اندک است. گاه گفته می‌شود اگر کسی را بشناسیم، در نزدیک شدن فیزیکی به او می‌کوشیم. زیستن در همسایگی خانه کسی و یا کار کردن در کنار فردی و شانه‌به‌شانه او فعالیت کردن، کم‌کم ما را

۴. در این پژوهش جامعه آماری شامل زوجین است. جمع‌آوری داده‌ها از زنان و شوهران در خانواده‌ها بسیار دشوار است؛ اما از این نظر نمونه، نسبت به تحقیقات دیگر که فقط زنان یا فقط مردان را بررسی می‌کنند، نمونه‌ای معرف و جامع است؛

۵. پژوهشگر در این پژوهش، در تبیین موضوع طلاق عاطفی با روش تحلیل شبکه کوشیده است که تاکنون چنین کاری در ایران انجام نشده است؛

۶. نمایش واضح فرایند رابطه میان شبکه با طلاق عاطفی به طور کیفی با نرم‌افزار خاص شبکه نیز مزیت دیگر این مقاله است.

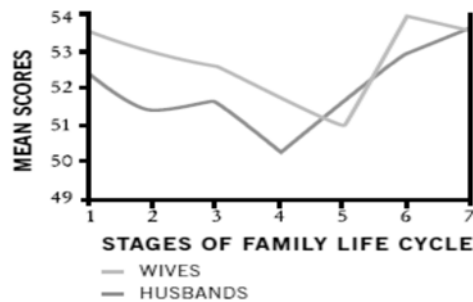
۲. مبانی مفهومی و نظری

در این پژوهش برای سنجش طلاق عاطفی از الگوی قوت‌های خانواده دفراین استفاده شده است. در بحث از ویژگی‌های ساختاری فرهنگی خانواده در میان نظریه‌پردازان، سه ویژگی در همه نظام‌های خانواده در درک کیفیت زندگی برای زوجین و خانواده‌ها مؤثر است که عبارت‌اند از: انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط. این ابعاد سه‌گانه رابطه مستقیم با ابعاد شش‌گانه الگوی بین‌المللی قوت‌های خانواده دارند (اولسون و دفراین، ۲۰۱۱، ص ۴۴). در این الگو، انسجام خانواده، نزدیکی عاطفی‌ای است که شخص با دیگر اعضای خانواده احساس می‌کند. انسجام شامل هم‌تعهد و هم‌زمان لذت‌بخش با هم بودن در الگوی قوت‌های خانواده است. تعهد نسبت به خانواده شامل صداقت، وابستگی و وفاداری است. گذران وقت با هم به معنای تعهد به میزان قابل‌توجهی از کیفیت زمان فعالیت‌ها، احساسات و عقاید مشترک و لذت بردن از مشارکت دیگران است (همان، ص ۴۵). «انسجام، احساس نزدیکی عاطفی با شخص دیگر است» (اولسون و دفراین، ۲۰۱۱، ص ۸۵). چهار سطح از انسجام در روابط خانواده و زوجین توصیف‌پذیر است: رها، متصل، منسجم و گرفتار. حد بسیار پایین انسجام، «رها» نامیده می‌شود و حد بسیار بالایی آن «گرفتار». اگرچه این دو سطح برای زمانی مناسب‌اند که روابط، مشکل‌ساز شده‌اند و به حد شدید رسیده‌اند، دو سطح میانی انسجام «متصل» و «منسجم» ظاهراً پرکارکردترین‌ها در طول دوره زندگی هستند؛ زیرا زوجین در جدایی و با هم بودن، توازن را رعایت می‌کنند. هر دو نوع رابطه متصل و منسجم به‌منزله سیستم‌های خانواده متوازن طبقه‌بندی می‌شوند. جدول ۱ بیانگر سطوح چهارگانه انسجام عاطفی است (همان، ص ۸۷).

۳-۲. نظریه رضایت زناشویی

نظریه وضعیت رضایت از زندگی زناشویی در طول زمان در میان جامعه‌شناسان و دانشمندان خانواده، نظریه تئوری ۷ شکل یا u شکل را ارائه می‌دهد. پردازندگان این نظریه معتقدند که رضایت زناشویی در طول مدت زندگی با همسر به شکل ۷ یا u پیش می‌رود؛ یعنی نخست رضایت در حد بالایی است؛ زیرا زوجین وقت و فرصت کافی برای با هم بودن دارند. سپس با ورود فرزندان مشکلات افزوده و در نتیجه رضایت کمتر می‌شود و سرانجام با خروج آنها از منزل پدری رضایت بالا می‌رود؛ زیرا زوجین وقت بیشتری دارند که به یکدیگر توجه کنند. یکی از گسترده‌ترین مطالعات حمایت‌کننده از نظریه یاد شده، پژوهشی است که اولسون و همکارانش در سال ۱۹۸۳ منتشر کرده‌اند. نتایج این پژوهش در نمودار ۲ نمایش داده شده است. مراحل «چرخه زندگی خانوادگی» مورد استفاده اولسون و همکارانش و دانشمندان دیگر عبارت‌اند از: ۱. زوجین بدون فرزند، ۲. دارای فرزندان با سن قبل از مدرسه، ۳. دارای فرزندان در سن مدرسه، ۴. دارای فرزندان نوجوان، ۵. دارای فرزندان «دم بخت و درحال ازدواج»، ۶. زوجین «با خانه خالی» (بدون فرزندان در خانه)، ۷. زوجین بازنشسته (میلر، ۲۰۰۱، ص ۱۳).

نمودار ۲. گراف نشان‌دهنده رضایت در طول زمان



۴-۲. نظریه صمیمیت

صمیمیت به معنای شریک شدن در احساسات و فراهم آوردن حمایت عاطفی است، که رفته‌رفته افزایش می‌یابد. وقتی نزدیکی رشد می‌کند و هنگامی که رابطه پخته می‌شود، صمیمیت عمیق می‌گردد. احتمالاً شمار زوجینی که در هر چیزی با هم شریک هستند، بسیار کم است. مردم به فضای خصوصی نیاز دارند؛ تکه‌ای از جهان که در آن به یک نفر دیگر نزدیک شوند؛ اما در رابطه صمیمی پخته، بیشتر حوزه‌ها برای بحث و شراکت باز است. افراد با باز کردن، با کسب اعتماد به یکدیگر و

بر آن می‌دارد که با او با حالتی مطلوب‌تر برخورد کنیم و عادات نسبتاً نامطلوب او را نادیده بگیریم خود را آماده پذیرش بیشتر او کنیم. به عقیده برخی از پژوهشگران علوم ارتباطات انسانی این خود بخشی از «گزینش ادراکی»، با عنوان «توجه گزیده» است. نظریه دیگری که مطرح شده بر این باور است که «نزدیکی» موجب افزایش دوست داشتن می‌شود؛ چراکه فرصت‌های ارتباطی بر اثر آن افزایش می‌یابند. تابز و ماس بر این اعتقادند که هر اندازه نزدیکی فیزیکی افراد بیشتر باشد، به همان میزان آنان اوقات فراغت را بیشتر با یکدیگر خواهند گذراند و به یکدیگر اعتماد بیشتری خواهند داشت و به هنگام دشواری‌ها، بیشتر مددکار یکدیگر خواهند بود. با این همه باید توجه داشت که «نزدیکی» گاه دارای جهات منفی و جنبه‌های معکوس است. عوامل مزبور هرچند در بیشتر موقعیت‌ها می‌توانند اساسی جاذبه باشند، می‌توانند در موقعیت‌های دیگر موجب دشمنی‌ها و مشکلات بسیار شوند. زمانی که افراد در «نزدیکی» یکدیگرند و از نظر پایگاه اجتماعی در تراز مساوی‌اند و هیچ‌گونه نگرش منفی نسبت به یکدیگر ندارند، نمی‌توان به سهولت پیش‌بینی کرد کدام‌یک به دیگری جذب می‌شود و آیا با یکدیگر دوست می‌شوند یا نه (فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۸).

۲-۲. نظریه تشابه (Similarity)

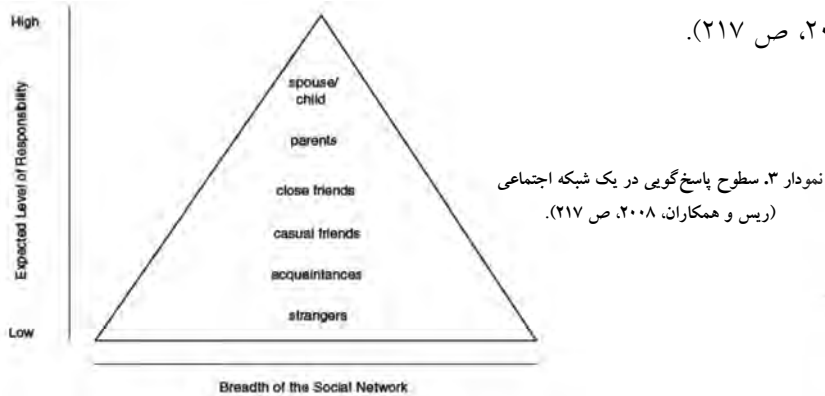
بر اساس نظریه‌ای کلاسیک از راجرز و شومیکر، در محدوده مشخص هر چقدر تشابه میان اشخاص درگیر در فراگرد ارتباطی وجود داشته باشد، به همان میزان اثربخشی ارتباطی مشاهده خواهد شد. نویسنده و روان‌شناس نامدار، هایدلر در این‌باره چنین می‌نویسد:

ما چنین نشان می‌دهیم که اشخاصی را بیشتر دوست داریم که باورها و نگرش‌های آنان با ما یکسان باشد، و وقتی ما کسی را دوست داشتیم از او می‌خواهیم که همان باورها و نگرش‌های ما را داشته باشد (همان، ص ۲۴۴).

علاوه بر این، شخصیت، طرز لباس پوشیدن، سطح اقتصادی-اجتماعی، مذهب، سن، پایگاه اجتماعی و چیزهای مشابه آنها در احساسات ما نسبت به دیگران اثر می‌گذارد و ما را بر آن می‌دارد که درباره آنان قضاوت‌هایی متفاوت داشته باشیم. ما در صورتی به سوی دیگران جذب می‌شویم و یا آنان را به سوی خود جذب می‌کنیم که میان ما و ایشان تشابهاتی وجود داشته باشد و در نقطه مقابل، ما در صورتی دیگران را دوست نخواهیم داشت و از آنان گریزان خواهیم بود که میانمان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. نزدیکی با تشابه، دوری با تفاوت پدید می‌آید (همان).

کسب کرده‌اند (همان، ص ۲۶۰). صمیمیت در سنین بالاتر زوجین، متفاوت می‌شود. آزادی از پرورش فرزند در این سنین، راه را برای صمیمیت عاطفی و جنسی جدید باز می‌کند. صمیمیت جنسی به علت مشکلات سلامتی در سنین بالاتر ممکن است متفاوت باشد. وقتی زوجین با یکدیگر پیر می‌شوند صمیمیت عاطفی ممکن است بسیار قوی باشد.

سطوح مورد انتظار پاسخ‌گویی از همسر در یک شبکه اجتماعی متفاوت است. انتظارات ما از برخی همتایان گاه کم و گاه بسیار بالاست. کلارک و میلز در کارکرد روابط نقش، پاسخ‌گویی مورد انتظار را بر اساس افرادی که با آنها در ارتباط هستیم، در نمودار ۳ به تصویر می‌کشند (ریس و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۲۱۷).



هم پژوهش‌ها و هم نظریات مربوط به روابط نزدیک، رابطه میان صمیمیت و رضایت از رابطه را نشان می‌دهند. به‌ویژه کسانی که بیشتر درگیر خودافشایی، اعتماد و وابستگی متقابل به همسرشان می‌شوند، رضایت بیشتری از رابطه دارند و روابطشان با همسرشان طول عمر بیشتری دارد. از سوی دیگر، روابط با سطوح پایین صمیمیت، احتمال بیشتری برای اتمام سریع‌تر دارند. بنابراین خلق صمیمیت در رابطه، به همان اندازه که در حفظ روابط نزدیک مؤثر است، نقشی مهم در پیش‌بینی رضایت در این روابط دارد (ماشک و شرمن، ۲۰۰۸، ص ۳۴۴).

۳. چارچوب نظری تحقیق

بر اساس نظریه نزدیک، یکی از واضح‌ترین و مهم‌ترین عوامل جذب، نزدیکی یا فاصله جغرافیایی نزدیک است (فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹). بر اساس پژوهش‌های یانگ و ویلموت (سواج و وارد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴) می‌توان نتیجه گرفت که هر چه محل زندگی افراد به یکدیگر نزدیک‌تر باشد، امکان فراوانی ارتباط افزایش می‌یابد. در اینجا منطقه سکونت، یکی از

آسیب‌پذیر شدن نسبت به یکدیگر، می‌تواند ساختمانی با پیوندی قوی از صمیمیت بسازند (اولسون و دفراین، ۲۰۱۱، ص ۲۵۳). صمیمیت یک مفهوم گول‌زننده است. این واژه عموماً نزدیکی فیزیکی و تمایلات جنسی را به ذهن متبادر می‌کند، اما واقعاً بسیار بیشتر از آن است. صمیمیت، نزدیکی و احساسات گرمی است که ما با افرادی مشخصی داریم؛ فرایندی در حال پیشرفت از زندگی با افراد دیگر است و عناصر پرشماری دارد. زندگی بدون صمیمیت با دیگران، خسته‌کننده، سرد و متروک است. اگرچه صمیمیت به روابط ازدواج محدود نمی‌شود، بیشتر ما وقتی متأهل می‌شویم، در جست‌وجوی صمیمیت و به دنبال حفظ آن هستیم. صمیمیت یک پاداش و منفعت برای ازدواج به شمار می‌آید (همان، ص ۲۵۷). انجام برخی فعالیت‌های مشترک با همسر برای زنان، صمیمیت را افزایش می‌دهد و مردان در صورتی که عقاید و احساسات خود را بیشتر بروز دهند، به صمیمت بیشتری با همسر دست خواهند یافت (همان، ص ۲۵۸).

ارتباط صادقانه برای صمیمیت، واقعیت ضروری است. صمیمیت شامل چند بعد است: عاطفی، اجتماعی، فکری، تفریحی و جنسی. داشتن و حفظ روابط صمیمی با بیش از چند نفر دشوار است؛ زیرا صمیمیت در طول زمان مصرف می‌شود. رابطه صمیمی، رابطه‌ای است که در آن، ما تجربیاتی صمیمانه در چند بعد در طول زمان با افرادی داشته باشیم. پژوهش‌ها درباره همسران نشان می‌دهد این بدیهی است که هیچ رابطه‌ای نمی‌تواند در طول زمان، برخوردار از تجربیات صمیمی در همه ابعاد باشد. به قول آبراهام لینکلن «شما می‌توانید بعضی افراد را برخی زمان‌ها خوشحال کنید، اما نمی‌توانید همه افراد را در همه زمان‌ها خوشحال کنید». این سخن مطمئناً درباره روابط عاشقانه است. زوجین صمیمی ممکن است قادر باشند یکدیگر را با روش‌های متعدد (عاطفی، فکری، جنسی) را ضی نگاه دارند، اما هر دو نفر احتمالاً بیشترین رضایت را با نیازهای صمیمیت دیگری، خارج از این رابطه خواهند داشت. صمیمیت جنسی جزو این حوزه‌ها نیست؛ زیرا عشق‌بازی زناکارانه می‌تواند صمیمیت را در همه حوزه‌های دیگر این رابطه خراب کند؛ اما هر دو نفر می‌توانند دو ستانی داشته باشند که یا در کار یا در حوزه‌های دیگر زندگی، بسیار خاص هستند و برخی چیزها را فراهم می‌کنند که همسر نمی‌تواند فراهم کند یا نمی‌کند. این دوستی‌ها می‌تواند به شادی هر همسری اضافه، و بنابراین به نیرویی مثبت در زوج یا رابطه ازدواج تبدیل شود؛ نیرویی که در طولانی‌مدت احساسات نامنی و حسادت را کاهش دهد (همان، ص ۲۵۹). اولسون و دیگران در پژوهشی که از ۵۰۰۰۰ زوج با استفاده از پرسش‌نامه انریچ تهیه شده بود دریافتند که از میان پنج عنصر مؤثر بر رضایت زناشویی، نزدیکی و صمیمیت بالاترین نمره را

متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. درخور توجه اینکه دورکیم می‌گوید تحرک و جدایی جغرافیایی افراد از خانواده‌های خود می‌تواند موجب پراکندگی بیشتر و تراکم کمتر در خانواده، و در نتیجه صمیمیت همسران با یکدیگر شود و بدین ترتیب عاطفی کاهش یابد؛ زیرا «فرض بر این است که هر قشر خاصی برای خود صاحب خرده‌فرهنگی است؛ طوری که اعضای یک خرده‌فرهنگ یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و تمایل بیشتری برای جذب یکدیگر دارند و در مقابل از اعضای خرده‌فرهنگ دیگر گریزان هستند» (فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). از سویی مرد به خانواده خود تمایل دارد و از مادر و اعضای دیگر خانواده خود پیروی می‌کند و در بسیاری موارد این پیروی از خانواده با تمایلات و افکار وی و همسرش تطابق ندارد و موجب تنش بین او و همسرش می‌شود؛ به این ترتیب کم‌کم صمیمیت میان زوجین کاهش می‌یابد و طلاق عاطفی رخ می‌دهد. از سوی دیگر زن نیز به خانواده خود وابستگی دارد و اگر روابط و تعاملات وی با خانواده‌اش بیشتر از تعاملاتش با همسرش باشد و حتی از همسرش بخواهد تا برای رفع مشکلات خانواده وی خود را درگیر کند، و انتظاراتی نابجا از همسر خود به سبب وابستگی فراوان به خانواده داشته باشد و این انتظارات مطابق میل همسر نباشند، همسر وی احساس دوری و فاصله با او می‌کند و به این ترتیب صمیمیت آنها کاهش می‌یابد و زمینه‌های طلاق عاطفی فراهم می‌آید. همان‌گونه که زنانیکی و تامس گفته‌اند، دو پدیده مهاجرت و نقل مکان، جزو آثار تبدیل رفتار و نگرش جمع‌گرایانه به فردگرایانه است (بخارایی، ۱۳۹۰، ص ۸۱)؛ یعنی گاهی فشارهای جمع‌گرایانه از سوی خانواده چنان افزایش می‌یابد که یکی از زوجین یا هر دو نفر مجبور به ترک خانواده و مهاجرت و دوری از آنان می‌شود. این در حالی است که اگر شرایط چنان باشد که هر یک از زوجین با خانواده طرفین احساس نزدیکی بیشتری کند، صمیمیت او با همسرش نیز بیشتر می‌شود. بنابراین در خانواده، هر یک از زوجین باید انتخاب کنند که انسجام آنها با همسرشان بیشتر باشد یا با خانواده خود. درواقع باید تعادل را رعایت کنند؛ اگر انسجام در خانواده پدری به حدی بالا باشد که شخص از همسر خود فاصله بگیرد، می‌توان از هم‌گسیختگی تدریجی زندگی وی را در دوره‌ای زمانی پیش‌بینی کرد.

بر اساس نظریات ارتباطات انسانی، زمانی که افراد در «نزدیکی» یکدیگر بوده، از نظر پایگاه اجتماعی در تراز مساوی باشند جذب یکدیگر می‌شوند (فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲) و این جذب

می‌تواند موجب ایجاد تراکم اعضای شبکه گردد. بنابراین پایگاه اجتماعی افراد در شبکه‌های زوجین نیز مدنظر محقق قرار خواهد گرفت.

در این مقاله برآنیم تا این روابط را با استفاده از تحلیل شبکه مشخص کنیم. همان‌گونه که باستانی (۲۰۰۱) اشاره کرده است:

مطالعه «جماعات» موجود در شهرها، یکی از کانون‌های اساسی تمرکز در مطالعات شهری و تحلیل شبکه است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این مطالعات، مقایسه شهر در مقابل اشکال اجتماعی پیشین و رابطه‌اش با جماعت‌های روستایی و سستی معاصر است. تحلیل شبکه اجتماعی، بهترین روش برای مطالعه جماعت‌هاست. با آزمون حضور و غیاب روابط، تحلیلگران شبکه می‌توانند آزمون کنند که تا چه حدی جماعت‌ها پراکنده شده‌اند و محتوای روابطشان چیست (باستانی، ۲۰۰۱، ص ۱۶).

بدیهی است که انسان‌ها به طور اجتماعی زندگی می‌کنند و ریشه اجتماعی بودن در تعامل و ارتباط آنها با یکدیگر است؛ اما اگر کمی دقت کنیم، به‌وضوح قابل مشاهده است که اشخاص با ویژگی‌های مختلف، روابط متفاوت با دیگران دارند. در این پژوهش، برخلاف پژوهش‌های متداول جامعه‌شناختی، بر روابط افراد با یکدیگر و اثر آن بر پدیده طلاق عاطفی تأکید می‌شود؛ یعنی موضوعی کلان (روابط) بر موضوع میانه (روابط زوجین) مؤثر است. در این پژوهش، تأکید بر روش تحلیل شبکه و داده‌های رابطه‌ای است.

۴. روش تحقیق

بر اساس موضوع و اهداف، روش پژوهش پیش‌رو، روش تحلیل شبکه است که روشی از نوع کیفی و هم کمی است و البته در این مقاله تأکید بر بخش کیفی و نشان دادن کاربرد نرم‌افزار شبکه در تبیین موضوعات جامعه‌شناسی است که برای نخستین‌بار در ایران انجام شده است. بنابراین می‌توان گفت هدف این پژوهش از نوع اکتشافی است؛ زیرا پژوهشگر درصدد بررسی و به‌کارگیری روشی جدید در مطالعات اجتماعی است. تحلیل شبکه به‌طورکلی برخلاف روش‌های معمول در پژوهش‌های پیمایشی، به جای تأکید بر ویژگی‌های خصیصه‌ای افراد در گروه‌ها و سازمان‌ها، بر ویژگی‌های رابطه‌ای متمرکز می‌شود. این روش از مشاهده روابط فردی، به الگوهای سطح میانه و کلان می‌رسد. در تحلیل شبکه، پژوهشگر درصدد بررسی ساختار روابط و اثر آن بر پدیده‌های مختلف را دارد. در اینجا نیز پژوهشگر درصدد بررسی چگونگی روابط زوجین با شبکه‌های خانوادگی و دوستی آنان و اثر آن بر کیفیت روابط میان زوجین با تأکید بر طلاق عاطفی است. داده‌های این تحقیق در سطح شهر مشهد از طریق دو

حدود ۲۷٪ بین ۳۵ تا ۴۰ و ۴۰ سال به بالا و بقیه ۳۰ تا ۳۵ سال است. فاصله سنی حدود ۲۷٪ زوجین کمتر از ۲ سال، ۳۰٪ بین ۲ تا ۴ سال، بیش از ۱۳٪ بین ۴ تا ۶ سال و ۲۰٪ آنان ۶ سال و بیشتر است. در توصیف طلاق عاطفی، همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بیشترین درصد فراوانی در دسته پایین و بسیار پایین (روی هم ۶۰ درصد) قرار دارد و ۴۰ درصد جامعه، طلاق عاطفی بالا و بسیار بالایی دارند.

جدول ۳. توزیع فراوانی میانگین نمرات طلاق عاطفی در میان زوجین

نمرات	گزینه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
۷۰٫۸۷-۸۰	بسیار پایین	۹	۳۰	۳۰	۳۰
۶۱٫۷۵-۷۰٫۸۷	پایین	۹	۳۰	۳۰	۶۰
۵۲٫۶۲-۶۱٫۷۵	بالا	۸	۲۶٫۷	۲۶٫۷	۸۶٫۷
۴۳٫۵-۵۲٫۶۲	بسیار بالا	۴	۱۳٫۳	۱۳٫۳	۱۰۰
	جمع	۳۰	۱۰۰	۱۰۰	-

نوع غالب تحلیل در مطالعه تجربی به روش متعارف آن، تحلیل آماری رابطه میان دو یا چندمتغیر است (چلبی، ۱۳۹۰، ص ۵۶). در واقع در شیوه متعارف، تحلیل رابطه میان دو یا چند متغیر است، اما در این مقاله تحلیل به روش شبکه با نرم‌افزار خاص شبکه انجام شده است که عمدتاً تحلیل رابطه میان دو یا چند کنشگر در یک یا چند شبکه است. پس باید توجه کرد که مفهوم رابطه با دو برداشت متفاوت به کار می‌رود. در روش متعارف، مفهوم رابطه بیشتر با برداشت ریاضی به کار گرفته می‌شود؛ مثلاً دو واحد افزایش در متغیر x با پنج واحد کاهش در متغیر y همراه است؛ اما در تحلیل شبکه، مفهوم رابطه بیشتر ناظر به برداشت ساختاری است (همان، ص ۵۷). سه روش برای توصیف داده‌ها به طور ریاضی در تحلیل شبکه وجود دارد که با توجه به شرایط و ماهیت موضوع و داده‌ها، ممکن است یکی از این روش‌ها مناسب‌تر باشد. این روش‌ها عبارت‌اند از: فرض گراف، گروه‌سنجی، و جبر (واسرمن و فاست، ۱۹۹۴، ص ۶۹). در اینجا پژوهشگر از نظریه گراف استفاده کرده است. فرض گراف می‌تواند به منزله روشی پایه‌ای برای نشان دادن کنشگران و روابط استفاده شود. این روش، اساس مفاهیم پر شمار نظریه گراف است که از اواخر دهه ۱۹۴۰ برای مطالعه شبکه‌های اجتماعی استفاده شده است. این مقوله، روشی فهم‌پذیر برای ارجاع به کنشگران و روابط فراهم می‌آورد و کاملاً هماهنگ با مفاهیم در هر سه روش است. نظریه گراف می‌تواند در سطح شبکه‌های چند رابطه‌ای نیز استفاده شود (همان، ص ۷۱). نظریه گراف به چند دلیل یکی از مهم‌ترین ابزار در توصیف و تحلیل داده‌های شبکه است:

پرسش‌نامه هم‌سران و پرسش‌نامه دوستان صمیمی و اعضای خانواده هم‌سران در زمستان ۱۳۹۲ جمع‌آوری شده است. جامعه آماری آن خانواده‌های متأهل شهر مشهد در سال ۱۳۹۲ و حجم نمونه شامل ۶۹۹ گره، دربرگیرنده ۱۸۱ گره از شبکه دوستی، ۳۹۵ گره از شبکه خانوادگی زوجین و ۶۰ گره شامل زوجین متأهل است که روی هم ۱۲۰۰ لبه (رابطه) را تشکیل داده‌اند. از آنجاکه هم‌سران باید پرسش‌نامه‌ها را تکمیل می‌کردند و هم‌اعضای خانواده و دوستان صمیمی زوجین، انجام نمونه‌گیری احتمالی بی‌فایده بود؛ زیرا بسیاری از پرسش‌نامه‌ها پاسخ می‌ماند. بنابراین پژوهشگر ناگزیر بود سراغ خانواده‌هایی برود که همه اعضای خانواده و دوستان آنها تمایل به همکاری نشان دهند. گاهی لازم می‌شود نمونه را بر اساس آگاهی خود از جمعیت، عذرهای جمعیت، ماهیت تحقیق خود و به طور خلاصه، بر اساس قضاوت‌های شخصی و هدف‌های مطالعه انتخاب کنید (بی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۷) بنابراین باید از نمونه‌گیری هدفمند استفاده کرد.

نمونه‌گیری هدفمند (قضاوت عجولانه)، نوعی نمونه‌گیری غیراحتمالی است که در آن واحدهایی که قرار است مشاهده شوند بر پایه قضاوت محقق درباره اینکه کدام یک از واحدها سودمندتر و معرف‌تر است، انتخاب می‌شوند (همان).

طلاق عاطفی در این تحقیق، فاصله گرفتن از انسجام عاطفی همسران از یکدیگر تعریف شده است که شامل تعهد و زمان لذت‌بخش با هم بودن است. تعهد نسبت به خانواده شامل صداقت، وابستگی و وفاداری است. گذران وقت با هم، به معنای تعهد به میزان قابل توجهی از کیفیت زمان فعالیت‌ها، احساسات و عقاید مشترک و لذت بردن از مشارکت دیگران است (اولسون و دفراین، ۲۰۱۱، ص ۴۵). سنجش این مفهوم از طریق ۲۱ گویه در طیف لیکرت و ترکیبی از پرسش‌نامه‌های استاندارد شده رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹)، مقیاس بی‌مهری زناشویی کیسر و هیل (۲۰۰۷) و مقیاس رضایت زناشویی بازیینی شده/شنایدر (۱۹۹۷) انجام شد.

۵. یافته‌های پژوهش

حدود ۳۷٪ زوجین، پیش ازدواج با یکدیگر بیگانه و حدود ۷٪ با یکدیگر دوست بوده‌اند. بیش از ۲۳٪ زوجین بدون فرزند، ۳۰٪ دارای یک فرزند، ۲۰٪ دارای دو فرزند و بقیه دارای ۳ فرزند یا بیشتر بوده‌اند. ۶۰٪ آنان آشنایی قبلی با یکدیگر نداشتند؛ ۱۷٪ کمتر از ۶ ماه و بقیه بین ۶ ماه تا ۲ سال آشنایی قبلی داشتند. مدت ازدواج بیش از ۲۳٪ نمونه، کمتر از ۵ سال، ۲۰٪ بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۰٪ بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۰٪ بین ۱۵ تا ۲۰ سال و حدود ۲۷٪ بیش از ۲۰ سال است. میانگین سنی ۳۰٪ افراد زیر ۳۰،

۱. فراهم‌کننده دایره‌ای از مفاهیم است که می‌تواند ویژگی‌های ساختاری اجتماعی متعددی را نام‌گذاری و معنادگی کند؛

۲. این دایره مفاهیم، مجموعه‌ای از مفاهیم را در اختیار پژوهشگر می‌گذارد که اجازه می‌دهد محقق بتواند به‌طور کاملاً دقیق به این ویژگی‌ها بپردازد. این نظریه، عقاید و عملیاتی ریاضی را ارائه می‌دهد که توسط آنها، بسیاری از این مفاهیم می‌توانند تعیین و اندازه‌گیری شود. سرانجام، با دادن این دایره مفاهیم و عملیات ریاضی، نظریه گراف به محقق توانایی اثبات تورم‌ها درباره گراف‌ها و نشانه‌های ساختار اجتماعی را می‌دهد. همانند شاخه‌های دیگر ریاضی، تئوری گراف به محققان اجازه می‌دهد نظریات را اثبات کنند و نتایجی آزمون‌پذیر بگیرند. علاوه بر اینها، نظریه گراف الگویی از سیستم اجتماعی به پژوهشگران می‌دهد که شامل کنشگران و روابط میان آنهاست (همان، ص ۹۳).

گفتنی است که در این مقاله، تحلیل شبکه از نوع کیفی مانند روش‌های کیفی دیگر نیست که محقق به جای پرسش‌نامه از مصاحبه یا ابزار دیگر استفاده کند، بلکه تفاوت در نشان دادن ساختار روابط و آزمون فرضیاتی است که در فرایند کار بدون قصد قبلی پژوهشگر در ساختار روابط در مدل‌سازی آشکار می‌شود. گراف‌ها رابطه میان متغیرها را به شکل واضح نشان می‌دهند. ویژگی نظریه گراف این است که در بسیاری موارد از وضعیت گراف می‌توان چند فرضیه را تأیید کرد. طبق روش کیفی، فرضیات در این بخش با استفاده از نظریات و پیشینه تحقیق به‌طور کلی طراحی شده‌اند، اما در فرایند کار، فرضیات و اطلاعات جدید به دست آمده‌اند که پژوهشگر پرسش یا عددی برای آنها در نظر نگرفته است. تنها با دقت در گراف‌ها می‌توان فرضیه را تأیید کرد. در اینجا به تشریح و تحلیل فرضیات تحقیق بر اساس گراف‌ها می‌پردازیم. با توجه به اینکه در هر گراف می‌توان روابط مختلف را نشان داد، بنابراین در تحلیل شبکه، هم می‌توان یک رابطه را به شکل‌های گوناگون نشان داد، و هم یک فرضیه را با چند گراف تأیید کرد. بنابراین برای سهولت کار و نشان دادن تفاوت میان گراف‌ها، نوع رابطه که نشان‌دهنده فرضیه است، ملاک پژوهشگر خواهد بود.

۱-۵. روابط میان همگنی، پایگاه شغلی و صمیمیت

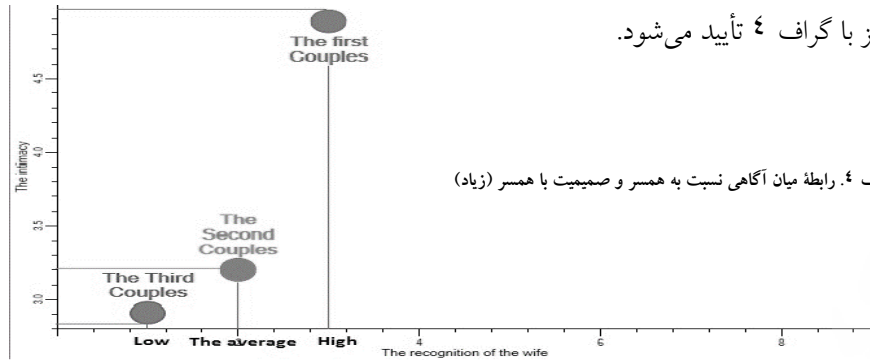
گراف ۱ زیر مربوط به شبکه دوستان صمیمی زوجینی به نام‌های ندا (پژوهشگر) و حمیدرضا (مهندس) است. ندا با عنوان پژوهشگر، و همسرش حمیدرضا، با عنوان مهندس با دایره آبی

نشان داده شده است. دوستان حمیدرضا، مهندس و دوستان ندا و همسرش با عناوین شغل هایشان نمایش داده شده‌اند. پیکان میان ندا و حمیدرضا نشانگر رابطه میان آنها و ضخامت سر پیکان نشان‌دهنده میزان صمیمیت بیشتر است. بنابراین در جایی که ضخامت سر پیکان بیشتر است، نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر، و ضخامت کم نشانگر صمیمیت کمتر است. همان‌گونه که در گراف ۴-۱ مشخص است، اندازه شبکه دوستان صمیمی حمیدرضا ۷ و برای ندا ۱۸ است. بر اساس نظریات شبکه، هر چه اندازه شبکه بزرگ‌تر باشد، تنوع شبکه بیشتر، و بنابراین همگنی کمتر است. در اینجا بر اساس نظریه تشابه و نزدیکی در ارتباطات انسانی، پایگاه شغلی دوستان زوجین می‌تواند میان آنها با فرد پاسخ‌گو همگنی و تشابه ایجاد کند. مشاهده می‌شود که تنوع در دوستان ندا بیشتر از حمیدرضا است و پایگاه‌های شغلی دوستان حمیدرضا به وی نزدیک‌ترند. در نتیجه حمیدرضا با دوستانی که از نظر شغلی به او نزدیک هستند همگنی بیشتری احساس می‌کند. بر اساس نظریات شبکه، هرچه همگنی با اعضای شبکه بیشتر باشد، صمیمیت میان افراد بیشتر است. در گراف مشخص شده است که دوستانی که از نظر شغلی به هم نزدیک‌اند، در میان دوستان حمیدرضا هم‌دیگر را می‌شناسند و با هم ارتباط دارند، در حالی که با دو دوست دیگر حمیدرضا ارتباطی ندارند. در واقع بر اساس نظریه شباهت، دوستانی که تشابه بیشتری با یکدیگر دارند، بیشتر تمایل به صمیمیت دارند. در میان دوستان حمیدرضا دو دسته تشکیل شده است. البته همان‌گونه که در گراف مشخص است، تراکم بالا میان شماری از اعضای شبکه، گروه بودن آن اعضا و صمیمیت بیشتر آنان را با هم نشان می‌دهد. در اینجا در میان دو خوشه تشکیل شده بین دوستان حمیدرضا، در یک دسته تراکم بالا نشانگر انسجام است و در دسته دیگر صمیمیت میان اعضا علت انسجام است. بنابراین دو خوشه به طور جداگانه انسجام بالایی با هم دارند ولی بین خوشه‌ها رابطه ضعیف است؛ زیرا نه تراکم وجود دارد و نه صمیمیت. در میان دوستان ندا نیز سه خوشه جدا از هم تشکیل شده‌اند که در یکی از سه خوشه، صمیمیت میان اعضای شبکه با هم بالاتر است. پس صمیمیت نیز علتی برای انسجام آن دسته با هم و دوری از دسته‌های دیگر است. در میان دوستان ندا مشاهده می‌شود که پراکندگی شغلی، یعنی تنوع، بیشتر و همگنی، کمتر است؛ بنابراین تراکم نیز کمتر است؛ چنان‌که دوستان وی دوه‌دو با هم ارتباط دارند و میان آنها رابطه‌ای نیست. البته بر اساس ضخامت پیکان این نیز مشخص است که ندا با دوستانی که تشابه شغلی بیشتری با وی دارند.

بر اساس گراف ۳، وقتی زوجین پیش از ازدواج با هم آشنایی نداشته باشند، شناختشان نسبت به یکدیگر در حد رسمی و کم است؛ درحالی که هر چه آشنایی قبل ازدواج با همسر بیشتر باشد شناخت و آگاهی نسبت به وی نیز بیشتر است.

۴-۵. رابطه میان آگاهی از همسر پیش از ازدواج با صمیمیت با همسر در زندگی مشترک

این فرضیه نیز با گراف ۴ تأیید می شود.

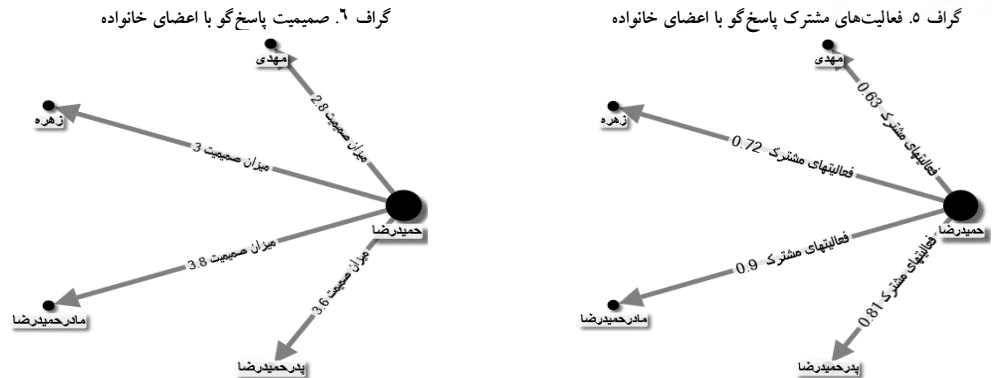


گراف ۴. رابطه میان آگاهی نسبت به همسر و صمیمیت با همسر (زیاد)

همان گونه که گراف ۴ نشان می دهد وقتی زوجین پیش از ازدواج نسبت به یکدیگر آگاهی بیشتری داشته باشند، پس از ازدواج صمیمیت آنها با هم بیشتر است.

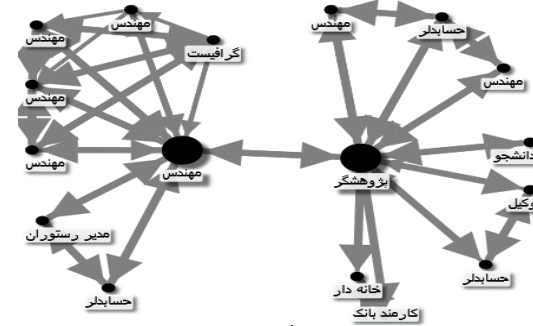
۵-۵. رابطه میان فعالیت های مشترک با اعضای شبکه و صمیمیت با اعضای شبکه

بر اساس نظریه صمیمیت اولسون (۲۰۱۱) هر چه فعالیت های مشترک افراد با اعضای شبکه شان بیشتر باشد، صمیمیت با آنها نیز افزایش می یابد. همان گونه که در گراف های زیر مشخص است، بیشترین و کمترین فعالیت مشترک حمیدرضا با اعضای خانواده اش مربوط به مادر و برادر کوچک ترش است و همان اندازه که فعالیت های مشترک بیشتری با مادر خود دارد، صمیمیتش در میان اعضای خانواده بیشتر با مادر است و همین طور کمترین میزان صمیمیتش با برادر است. بدین گونه فرضیه تأیید می شود.



گراف ۵. فعالیت های مشترک پاسخ گو با اعضای خانواده

گراف ۶. صمیمیت پاسخ گو با اعضای خانواده

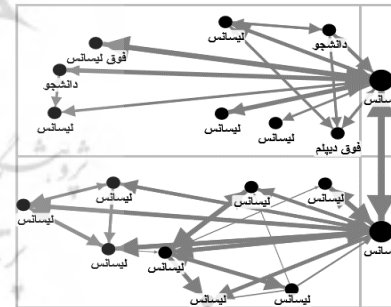


گراف ۱. رابطه میان اندازه، همگنی، پایگاه و صمیمیت

صمیمیت بیشتری احساس می کند تا با دوستان دیگرش. پس این فرضیه تأیید می شود که هر چه اندازه شبکه بزرگ تر باشد، تراکم میان اعضای شبکه کمتر است؛ زیرا تنوع و ناهمگنی بیشتر و تعداد خوشه های بیشتری وجود دارد. وقتی تراکم بالاتر باشد، صمیمیت اعضای شبکه با هم بیشتر است.

۲-۵. روابط بین پایگاه، همگنی یا تنوع و صمیمیت

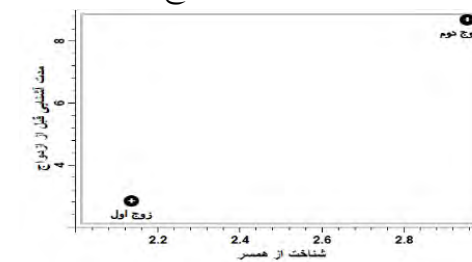
در گراف ۲ نیز به خوبی مشخص است که هر چه تنوع شبکه بیشتر باشد تعداد خوشه ها بیشتر، و صمیمیت کمتر است. در این گراف تنوع و ناهمگنی بر اساس تحصیلات اعضای شبکه آمده است. این گراف نیز به خوبی نظریه تشابه و نزدیکی را نشان می دهد.



گراف ۲. رابطه میان پایگاه، همگنی و صمیمیت

۳-۵. رابطه میان مدت آشنایی و شناخت از همسر

گراف ۳ برای تأیید این فرضیه در نظر گرفته شده است که رابطه متغیرها را برای دو زوج نشان می دهد.

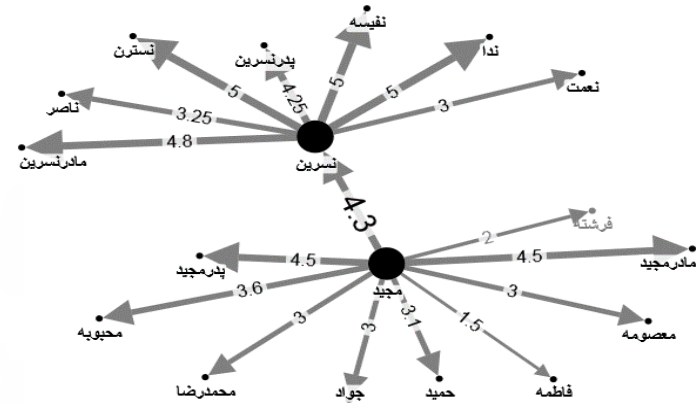


گراف ۳. رابطه میان مدت آشنایی قبل ازدواج و آگاهی و شناخت نسبت به همسر (کم)

۵-۶. رابطه میان صمیمیت با اعضای خانواده و صمیمیت با همسر

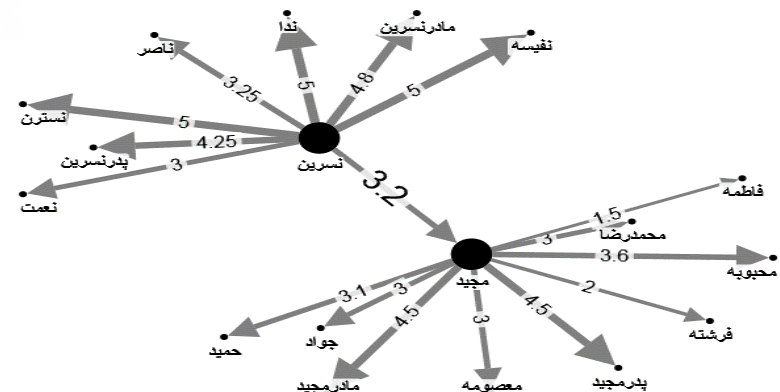
پیش‌تر مشخص شد که هر چه فعالیت‌های مشترک با اعضای شبکه بیشتر باشد، صمیمیت با آنها بیشتر می‌شود، و صمیمیت با همسر بزرگ‌ترین متغیر اثرگذار بر شدت طلاق عاطفی است؛ زیرا بر اساس این فرضیه، «وقتی صمیمیت با اعضای شبکه زیاد باشد، به همان نسبت صمیمیت با همسر کمتر می‌شود» و یا حتی ممکن است طرف مقابل صمیمیت کمتری با همسرش احساس کند. گراف ۷ این فرضیه را تأیید می‌کند.

گراف ۷. رابطه میان صمیمیت با اعضای شبکه و صمیمیت با همسر (مجدد و نسرین)



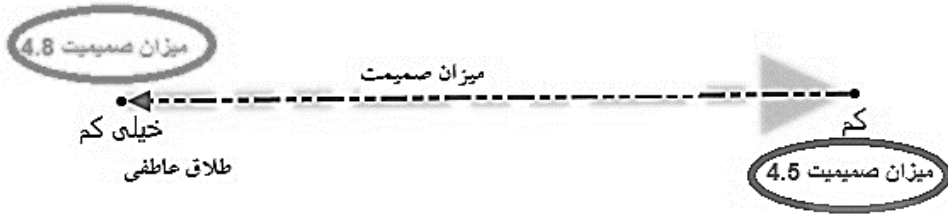
همان‌گونه که در گراف‌های ۷ و ۸ مشاهده می‌شود، میزان صمیمیت نسرین با اعضای خانواده خود بیشتر از صمیمیت مجدد، همسرش با خانواده‌اش است؛ در صورتی که میزان صمیمیتش با مجدد هم کمتر از صمیمیت مجدد با اوست. نتیجه اینکه میزان صمیمیت فرد با اعضای شبکه خود، بر روی میزان صمیمیتش با همسرش تأثیر دارد. گراف زیر نیز به همین ترتیب این فرضیه را تأیید می‌کند.

گراف ۸. رابطه میان صمیمیت با اعضای شبکه و صمیمیت با همسر (مجدد و نسرین)



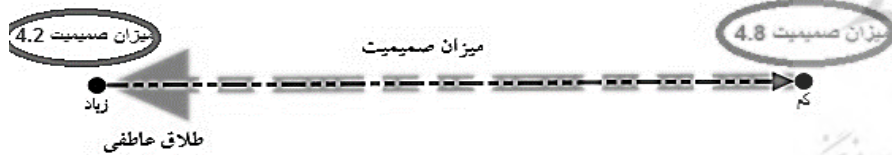
۵-۷. رابطه میان صمیمیت با همسر و طلاق عاطفی

گراف ۹ مربوط به سمیه و جواد است. میزان صمیمیت جواد با همسرش ۴/۸ و طلاق عاطفی آنها بسیار کم (۷۳) است. همچنین میزان صمیمیت سمیه با جواد ۴/۵ و میزان طلاق عاطفی آنها کم (۶۳) است. پس همان‌گونه که مشاهده می‌شود هر چه میزان صمیمت بالا رود، طلاق عاطفی کمتر است. گراف ۹. رابطه میان صمیمیت با همسر و طلاق عاطفی (طلاق عاطفی کم)



گراف ۱۰ مربوط به ندا و حمیدرضا است. میزان صمیمیت حمیدرضا ۴/۸ و طلاق عاطفی او کم (۵۸) است. همچنین میزان صمیمیت ندا با حمیدرضا ۴/۲ و طلاق عاطفی او زیاد (۴۰) است. بنابراین در این زوج هم هر چه میزان صمیمت کمتر می‌شود، طلاق عاطفی بالاتر می‌رود.

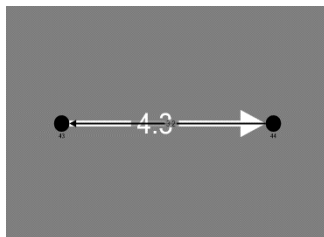
گراف ۱۰. رابطه میان صمیمیت با همسر و طلاق عاطفی (طلاق عاطفی بالا)



۵-۸. رابطه میان سن زوجین و صمیمیت با همسر

چهار گراف زیر این فرضیه را نشان می‌دهند که وقتی زوجین در سنین میان‌سالی قرار دارند صمیمتشان با هم در حد متوسط است.

گراف ۱۱. سن زوجین و صمیمیت با هم (سن میان‌سالی، صمیمیت کم)

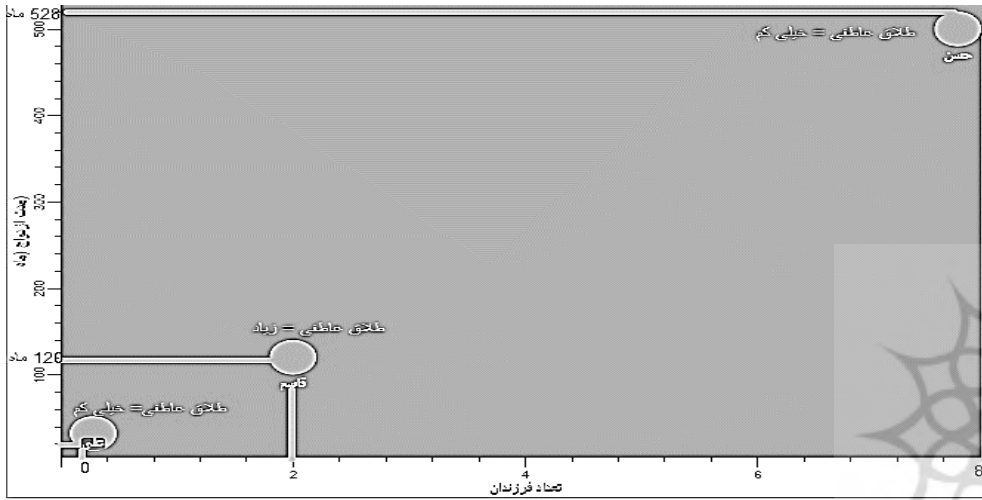


اتفاقاً وقتی زوجینی در سنین بالا و پایین قرار دارند، در هر دو مورد صمیمت در حد بالاست.

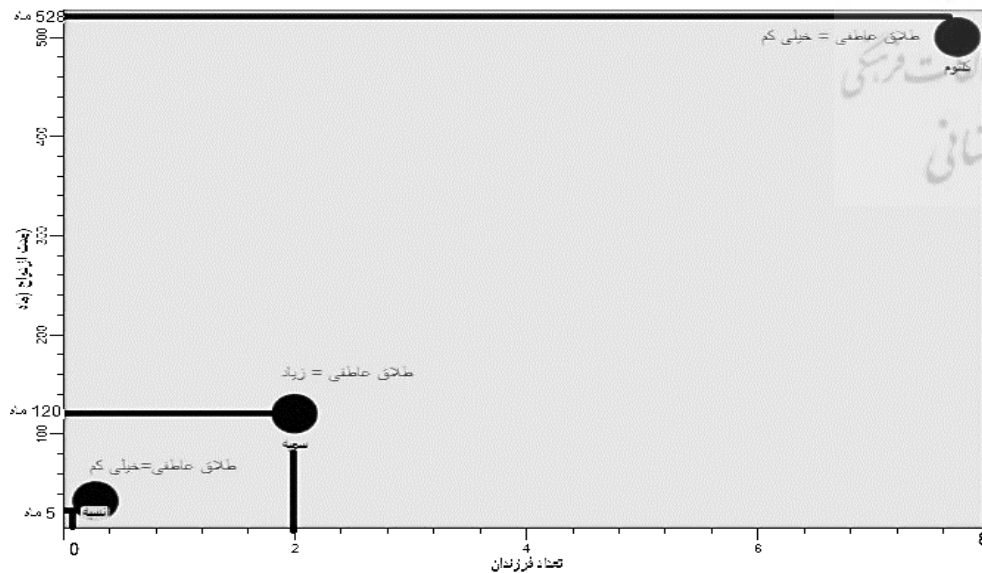
۵-۹. رابطه میان مدت ازدواج، شمار فرزندان و طلاق عاطفی

همان‌گونه که ذکر شد، تعداد فرزندان متغیر مؤثری در افزایش طلاق عاطفی است. مدت ازدواج به‌منزله متغیر مداخله‌گر نشان می‌دهد که زوجین در سال‌های بدون فرزند، طلاق عاطفی کمتری دارند.

گراف ۱۵. رابطه میان تعداد فرزندان، مدت ازدواج و طلاق عاطفی



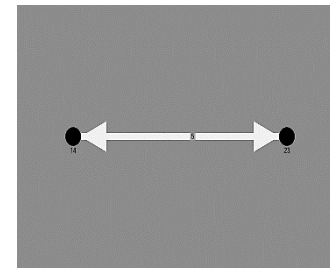
گراف ۱۶. رابطه میان تعداد فرزندان، مدت ازدواج و طلاق عاطفی



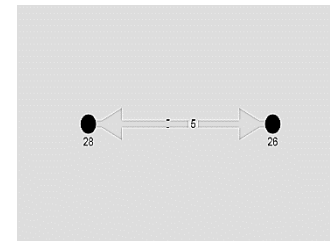
گراف ۱۲. سن زوجین و صمیمیت با هم (سن بالا، صمیمیت بالا)



گراف ۱۳. سن زوجین و صمیمیت با هم (سن کم، صمیمیت بالا)



گراف ۱۴. سن زوجین و صمیمیت با هم (سن کم، صمیمیت بالا)

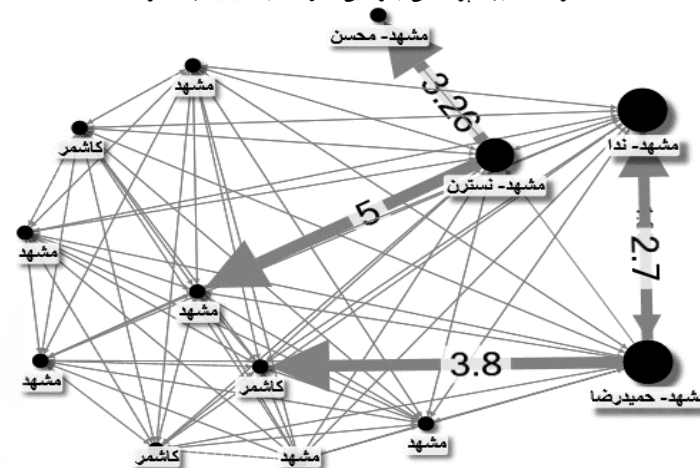


از اینجا می‌توان نتیجه گرفت متغیری در میان این دو متغیر مداخله‌گر است. بر اساس نظریه رضایت زناشویی اولسون (۲۰۱۱) می‌توان این فرضیه را تحلیل کرد که احتمالاً فرزندان موجب می‌شوند که زوجین از هم دور شوند و وقتی برای یکدیگر نداشته باشند؛ زیرا در سنین اولیه ازدواج که فرزندی ندارند صمیمیت بالایی با هم دارند و در سنین میانی که با فرزندان زندگی می‌کنند و گرفتار مشکلات آنان هستند، صمیمیت پایین می‌آید. همچنین در سنین بالا که فرزندان ازدواج می‌کنند و از والدین جدا می‌شوند، زوجین وقت بیشتری برای هم دارند و صمیمیت بالا می‌رود. پس این فرضیه نیز تأیید می‌شود که شمار فرزندان و سن زوجین بر صمیمیت زوجین با یکدیگر مؤثر است.

۵-۱۰. رابطه میان پراکندگی جغرافیایی زوجین با شبکه خانواده

طبق نظریه نزدیکی، هر چه پراکندگی جغرافیایی شبکه خانواده‌ها (محل زندگی خانواده‌ها) بیشتر، صمیمیت زوجین بیشتر است. گراف ۱۷ این را تأیید می‌کند.

گراف ۱۷. رابطه پراکندگی جغرافیایی خانواده‌ها و صمیمیت با همسر



۶. بحث و نتیجه‌گیری

با نگاهی اجمالی به نتایج تحلیل داده‌ها می‌توان دریافت که در میان متغیرهایی که اثر مستقیم بر طلاق عاطفی دارند، میزان صمیمیت با همسر بیشترین اثر (۰/۵۳) را دارد؛ یعنی کمی از نصف بالاتر است. در واقع این نتیجه نشان می‌دهد که اگر بخواهیم راهی برای کاهش طلاق عاطفی بیابیم، بهترین راه این است که سیاستی برای افزایش صمیمیت میان همسران در پیش گرفته شود. این کار، دشوار نیست. چنان‌که نظریه صمیمیت بیان می‌کند، مردان نسبت به زنان نیاز به صمیمیت بیشتری دارند. شاید به همین علت باشد که وقتی در آزمون فرضیات مشاهده شد صمیمیت زن با خانواده‌اش بالاست، این نتیجه به دست آمد که همسرش با وی احساس صمیمیت کمتری می‌کند. در آن نظریه توضیح دادیم که مردان هنگامی احساس صمیمیت بیشتری می‌کنند که فعالیت‌های مشترک با همسر خود انجام دهند؛ کارهایی مانند درس خواندن یا مشورت‌های کاری. به همین علت هم در آزمون فرضیات مشاهده شد که هر چه فعالیت‌های مشترک با خانواده بیشتر شود، صمیمیت فرد با آنها بیشتر، و بنابراین صمیمیت همسرش با او کمتر می‌شود (۰/۷۲-) و احتمال افزایش طلاق عاطفی بالاتر می‌رود. این نتیجه با نتایج تحقیقات شهرستانی (۱۳۹۱) و نایب (۲۰۰۴) همخوانی دارد. فعالیت‌های مشترک با خانواده به طور غیرمستقیم و با واسطه صمیمیت با همسر

۰/۳۸- بر طلاق عاطفی اثر دارد؛ یعنی هر چه صمیمیت یا همان انسجام در میان اعضای خانواده بیشتر باشد، طلاق عاطفی شدیدتر است. نایب معتقد است که صمیمیت با همسر از چند طریق قابل حصول است: تراکم شبکه شخصی، تراکم شبکه مشترک و هم‌پوشانی شبکه. وی تراکم شبکه شخصی را، « شبکه‌های دارای هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی که همکاری درون یا بین گروه‌ها را تسهیل می‌کنند» (نایب، ۲۰۰۴ به نقل از کوت و هیلی، ۲۰۰۱، ص ۴۱). تراکم شبکه مشترک نیز همان انسجام درونی میان اعضای شبکه را می‌رساند که از طریق همگنی به دست می‌آید. بر اساس نظریه تشابه نیز هم‌پوشانی هنگامی پدید می‌آید که اعضای شبکه احساس نزدیکی بیشتری با هم داشته باشند. بنابراین از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که همگنی در ارزش‌ها، عقاید و نگرش‌ها بسیار مؤثرتر از تشابه تحصیلی، شغلی، درآمد و... است؛ زیرا می‌تواند صمیمیت همسران را تغییر دهد.

فعالیت‌های مشترک با خانواده به اندازه ۰/۵۱- اثر معکوس بر طلاق عاطفی دارد؛ زیرا صمیمیت با انجام فعالیت‌های مشترک بیشتر می‌شود. همان‌گونه که در این پژوهش به دست آمده، اثر فعالیت‌های مشترک با خانواده بر صمیمیت با همسر از اهمیت فراوان برخوردار است و به میزان ۰/۷۸- بر صمیمیت با همسر اثر معکوس دارد. بنابراین، هر چه فعالیت‌های مشترک فرد به جای اینکه با همسر بیشتر باشد، با دوستان و اعضای خانواده و دیگران بیشتر باشد، احساس صمیمیت (۰/۲۹) و انسجام بیشتری با آنها (۰/۲۵-) و احساس صمیمیت کمتری با همسر (۰/۹۸-) به دنبال دارد. این نتیجه نیز با نتایج تحقیق اولسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد. وقتی فعالیت‌های مشترک با اعضای خانواده افزایش یابد، صمیمیت فرد با شبکه نیز افزایش می‌یابد (۰/۹۸-). هر چه صمیمیت با اعضای خانواده بیشتر باشد، انسجام با خانواده بیشتر می‌شود (۰/۲۹). افزایش انسجام با خانواده، صمیمیت با خانواده را افزایش می‌دهد و این خود صمیمیت با همسر را کاهش می‌دهد (۰/۹۸-) و در نتیجه طلاق عاطفی بیشتر می‌شود. بر اساس نظریه صمیمیت، وقتی میزان تعاملات فرد با اعضای خانواده‌اش بالا باشد، فعالیت‌های مشترک بیشتری با آنها انجام می‌دهد (بتا ۰/۱۶) و بنابراین در خانواده خود احساس صمیمیت بیشتری می‌کند، نیازی به همسرش احساس نمی‌کند و این نتیجه موجب می‌شود زوجین از یکدیگر دور شوند و صمیمیت کاهش یابد. بنابراین به راحتی زندگی زناشویی آنان با افزایش طلاق عاطفی به گسستگی می‌انجامد.

منابع

- Felmlee, Diane H, 2001, No couple is island: A social network perspective on dyadic stability, *Social Forces*, v. 79 (4), p. 1259-1287.
- Fowers B. J, & Olson D. H, 1989, Enrich Marital Inventory, A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment, *Journal Marital and Family Theory*, v. 15, p. 65-79.
- Fraley, R, & et al, 2011, The Experiences in Close Relationships-Relationship Structures questionnaire: A method for assessing attachment orientations across relationships. *Psychological Assessment*, 23, 615-625. The full text of the above paper, details of this "ECR-RS" questionnaire and a wealth of other helpful resources are freely downloadable from Prof Chris Fraley's website at <http://internal.psychology.illinois.edu/~rcfraley/index.htm>.
- Kalmijn, Matthijs, 2003, Shared friendship networks and the life course: an analysis of survey data on married and cohabiting couples, *Social Networks*, v. 25, p. 231-249.
- Kantor, D, & Lehr, W, 1975, *Inside the family*, San Francisco, Jossey-Bass.
- Kayser, Karen & Hill, Chestnut, 2007, The marital disaffection scale: an inventory for assessing emotional estrangement in marriage, *The American Journal of Family Therapy*, v. 24, p. 83-88. To cite this article: Karen Kayser (1996) The marital disaffection scale: an inventory for assessing emotional estrangement in marriage, *The American Journal of Family Therapy*, 24:1, 83-88, DOI: 10.1080/01926189508251019.
- Kneip, Thorsten, et al 2004, The Impact of Social Capital on Marital Stability, Paper to be presented at the Euro Summer School "Integrating Sociological Theory and Research in Europe" on the topic "Social Capital", Trento/Italy.
- Maryansky, Alexandra and Ishii-Kuntz, Masako, 1991, A Cross-Species Application Of Bott's Hypothesis on Role Segregation and Social Networks, *Sociological Perspectives*, v. 34, N. 4, p. 403-425.
- Mashek, D. J, & Sherman, M. D, 2008, Desiring Less Closeness With Intimate Others, 343-356, Retrieved from handbook of Closeness and Intimacy, London, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, Mahwah, New Jersey. This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- Miller, Richard B, 2001, Do Children Make a Marriage unhappy? *Marriage and Family*, v. 5, N. 1, p 13-18.
- Olson, David H, et al, 2011, *Marriage and Families, Intimacy, Diversity and Strengths*, Mc Graw- Hill Companies. 7 Edition.
- Reis, Harry T, & et al, 2008, Perceived Partner Responsiveness as an Organizing Construct in the Study of Intimacy and Closeness 201-225, Retrieved from handbook of Closeness and Intimacy, London, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, Mahwah, New Jersey. This edition published in the Taylor & Francis e-Library.
- Rujoiu, Mihaela, 2012, The influence of social network on attitude toward conflict in couple, Doctoral Thesis, Babes-Bolyai University, Cluj-napoca, Sociology And Social Work Department Doctoral Study Programme In Sociology, Doctoral study coordinator: Prof. univ. dr. Petruilu I.
- Snyder, D. K, 1997, *Manual for the Marital Satisfaction Inventory- Revised*. Los Angeles: Western Psychological Services.
- Tsvetovat, maksim, & Kouznetsov, alexander, 2011, *Social network analysis for startups*, published by O Reilly Media, Inc, 1005 Gravenstein Highway North, Sebastopol, CA 95472.
- Wang, & et al, 2006, "Stability of interracial and intraracial romantic relationships among adolescents", *Social Science Research*, p. 435-453.
- Wasserman, & et al, 1994, *Social network analysis: methods and applications*, cambridge university press.
- Widmer, Eric, & et al, 2004, Types of conjugal networks, conjugal conflict and conjugal quality, *European Sociological Review*, v. 20, N 1, p. 63-77.
- استیل، لیز و وارن کید، ۱۳۸۸، *جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*، ترجمه فریبا سیدان و افسانه کمالی، تهران، دانشگاه الزهراء.
- بی، ارل، ۱۳۹۲، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فضل، تهران، سمت.
- بخارایی، احمد، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران، طلاق عاطفی، تهران، پژوهاک جامعه.
- بخارایی، احمد، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران، دانشگاه پیام‌نور.
- تبریزی، مصطفی و دیگران، ۱۳۸۵، *فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده درمانی*، تهران، فراروان.
- چلبی، مسعود، ۱۳۹۰، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران، نی.
- ریاحی، اسماعیل و همکاران، ۱۳۸۶، «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه)»، *پژوهش زنان*، دوره ۵، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۴۰.
- سالار، علی، ۱۳۸۹، بررسی ویژگی‌های شبکه اجتماعی همسرگزینی و تأثیر آن بر رضایت از زندگی زناشویی در بین مردان متأهل شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم اجتماعی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- ساوج، مایکل و آلن وارد، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، تهران، سمت.
- شهرستانی، ملیحه و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد»، *زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۹-۴۱.
- صادقی فسائی، سهیلا و زینب ملکی‌پور، ۱۳۹۲، «تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری»، *زن در توسعه سیاست*، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۱-۲۸.
- فرهنگی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، *مبانی ارتباطات انسانی*، چ هشتم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تیرگری، ع، ۱۳۸۶، *بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر روابط زناشویی*، پایان‌نامه دکتری انستیتو، تهران، روان‌پزشکی تهران.
- مقصودی، سوده و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۱۲۴-۱۵۲.
- اداره کل ثبت احوال استان خراسان رضوی، گزارش‌های تحلیلی طلاق ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱.
- درگاه ملی آمار، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۰.
- Bastani, susan, 2001, "middle class community in tehran: social networks, social support and marital relationships" PHD thesis, University of toronto.
- Cox, Frank D, 2005, *Human Intimacy: Marriage, the Family*, and Its Meaning; Cengage Learning.